

معرفی دیوان وقاری طبسی یزدی

محمدرضا ابویی مهریزی*

دکتر سعید شفیعیون**

دیوان وقاری طبسی یزدی از جمله آثار مولانا محمدامین وقاری طبسی یزدی از ادبا و شعرا و خوشنویسان سده یازدهم هجری (زنده در ۱۰۹۸ ه. ق) است. از تاریخ ولادت و وفات وقاری اطلاع دقیقی در دست نیست، اما از ماده تاریخ‌های که به انگیزه‌های مختلف تدوین نموده و در دیوان شعرش و یا دیگر آثار مندرج شده، روشن است که در اوایل سده یازدهم هجری در یزد زاده شده و دست کم تا سال ۱۰۹۸ ه. ق در قید حیات بوده است. وقاری از اعقاب مولانا شمس الدین محمد طبسی از عرفا و شعرای سده‌های ششم و هفتم هجری بوده که دیوانش منتشر شده و شصت و شش بیت از اشعارش در نسخه خطی کهن متعلق به توفیق سبحانی، که تحت عنوان جنگ بیاض به صورت چاپ عکسی (ضمیمه شماره ۴ فصلنامه آینه میراث) در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده، مندرج است. آن چنان که وقاری در مقدمه دیوان خویش ابراز می‌دارد حیات علمی در میان خاندان و اجداد او از زمان شمس الدین طبسی جدّ اعلای او تا روزگار حیات خودش در سده یازدهم هجری هیچ گاه دچار وقفه نگشته است، چنان که می‌گوید:

ما عندلیب‌زاده گلزار عشرتیم
قانون نغمه‌سنجی و گلبانگ پهلوی
بشنو ز ما ترانه وقاری که این سرود
ارثی غزل سرایی بستان گرفته ایم
از چنگ بلبلان خوش الحان گرفته ایم
از عندلیب گلشن ایران گرفته ایم

* پژوهشگر متون تاریخی و ادبی.

** محقق متون ادبی.

پدر وقاری، عبدالفتاح طبسی، در حدود اوایل سده یازدهم هجری جلای وطن کرد و در یزد رحل اقامت افکند و وقاری در آن دیار چشم به جهان گشود. این در حالی است که محمد مفید مستوفی بافقی در جامع مفیدی اظهار می‌دارد که وقاری در طبس ولادت یافته و در صغر سن همراه با پدر به یزد کوچیده است. لیکن وقاری خود در مقدمه دیوانش غیر از این می‌گوید. عموی وقاری، مولانا عبدالکریم طبسی نیز از علمای نامدار آن روزگار به شمار می‌رفت و در دارالعلم شیراز اقامت داشت.

وقاری تحصیلاتش را در یزد نزد علمایی چون ملا محمد باقر یزدی اول (متوفی ۱۰۶۱ ه. ق)، ملا محمد صادق یزدی (متوفی ۱۰۶۴ ه. ق)، ملا محمد شفیع یزدی مشهور به دانشمندخان سپری نمود. وی در سال ۱۰۷۰ ه. ق یزد را به قصد اصفهان ترک نمود و در دارالسلطنه اصفهان اقامت گزید. هرچند از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست. لکن احتمالاً تا پایان عمر در اصفهان بوده است. زیرا ظاهراً در سال ۱۰۹۸ ه. ق که آخرین تاریخی است که از او به دست داریم، در اصفهان بوده است. آن چنان که از محتوای مکتوباتش در منشآت وی موسوم به گلدسته اندیشه به دست می‌آید، مسافرت به هندوستان و اعتبارت عالیات و حرمین شریفین نیز نموده است و در آن نواحی با امرایی چون قطب شاه دکن در هندوستان و حسین پاشا والی بصره مراوداتی داشته است. وی با توجه به اشتهاری که در ادب، شعر و خوشنویسی داشته در ایران نیز مورد توجه بزرگان زمانه خود بوده و با آنان مراوده و ارتباط داشته است. رجالی که وقاری با ایشان مرتبط بوده، از اقشار مختلف اجتماعی از درویش خرده پا گرفته تا شخص وزیر اعظم می‌باشند. نوع روابط وی با رجال گوناگون از فحوای منشآتش و نیز اشعاری که در مدح ممدوحانش گفته و در دیوان اشعارش مندرج است روشن می‌گردد و از خلال آنها فواید تاریخی و اجتماعی عاید می‌شود. از جمله آنها تاریخ دقیق برخی عزل و نصب و حوادث تاریخی است که به ویژه از بخش تاریخ‌های دیوان او به دست می‌آید. چنان که در تاریخ انتصاب میرزا محمد مهدی صدر به عنوان وزیر اعظم می‌گوید:

وزیر کلّ ایران، زیب ملکی صدر دین، مهدی

زهی کامل، زهی دستور، ادام الله اقبالک

که دلالت بر تاریخ سال ۱۰۷۰ ه. ق دارد.

وقاری خود به دانش و هنرهای خویش که موجب اعتبار وی در جامعه زمانه‌اش و

توجه بزرگان به او بود معترف است، لیکن همچون غالب فرهیختگان و اهل قلم از برخی ناملایمات و جفاهای روزگار نیز می‌نالند. اشعار ذیل از دیوان او به خوبی رسانندهٔ موقعیت و وجههٔ او در آن ایام و نوع منش و طرز سلوک اوست که به جهت آشنایی با خصلت‌های شعر او در ذیل می‌آید:

خدایگانا! دارم به دل گره دردی

ز غنچهٔ دلم این عقده خار آه گشاد

منم که منفردم در جهان استعداد

به جامعیت من مادر زمانه نزاد

نماند در صدف کون گوهر هنری

که دست قدرت در جیب فطرتم نهاد

چه از رسوم علوم و چه از فنون خطوط

چه از طریقهٔ انشا، چه از ره انشاد

چه مثنوی، چه رباعی، چه قطعه، چه تاریخ

چه از غزل، چه قصیده، کفی بها الاشهاد

چه حل و عقد معما، چه قبض و بسط لغز

چه از مبادی مبدأ، چه از مآل معاد

دگر ز جنس هنر آنقدر که شخص گمان

که شمارهٔ آن عاجز آید از تعداد

ولی چه سود که بختم نمی‌کند یاری

ولی چه سود که طالع نمی‌کند امداد

به هر دری که زدم حلقه زین فنون کمال

به هیچ وجه مرا هیچ فتح روی نداد

ظهیر نادره گو قهرمان ملک سخن

مگر به وصف من این بیت کرده است ایراد

«مرا ز دست هنرهای خویشتن فریاد

که هر یکی به دگرگونه دارم ناشاد»

سفینه کرده‌ام از لُجَّةٔ عدم سفری

ز رهنان حوادث کشیده صد بیداد

کنون ز بندر دل می‌رسم به شهر امید

متاع فضل و قماش هنر مباد کساد

از جمله فواید تاریخی دیوان وقاری آگاهی از تاریخ دقیق وقوع برخی حوادث است که در هیچ یک از متون تاریخی و تذکره‌ها مندرج نیست. و این به سبب ماده تاریخی‌هایی است که وقاری در حق ممدوحان و بزرگان زمانه خویش ساخته است. نمونه آن ماده تاریخ وفات مولانا محمدباقر یزدی از منجمان و ریاضی‌دانان بزرگ عصر صفوی، صاحب کتاب مشهور عیون الحساب در ریاضیات و از استادان شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰ ه. ق) است که بر حسب ماده تاریخی که وقاری از تاریخ وفات وی در دیوان اشعارش به دست داده، در تاریخ ۱۰۶۰ ه. ق جهان‌گذران را به درود حیات گفته است. ملا زین‌العابدین یزدی برادر ملا محمد باقر و ملا محمد حسین و ملا محمد باقر یزدی پسر و نوه او نیز همگان در شمار منجمان و ریاضی‌دانان برجسته بوده‌اند. عدم اطلاع از تاریخ وفات ملا محمد باقر یزدی و همنامی او با نوه‌اش که در اواخر عهد صفوی شرحی بر کتاب جد همنام خود نوشته، تاکنون باعث ایجاد ابهاماتی در حیات ملا محمد باقر و طول حیات او شده است. حال به لطف ماده تاریخ وقاری در دیوان او، که وقاری خود با او روابط نزدیک داشته، به درستی می‌دانیم که ملا محمدباقر به سال ۱۰۶۱ ه. ق در دوره سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه. ق) درگذشته و حد زمانی حیات وی با نوه‌اش، که معاصر شاه سلطان حسین صفوی بوده (۱۰۳۵ - ۱۱۰۵ ه. ق) به روشنی معلوم می‌گردد. اشعار وقاری در مدح شاه ابوالمهدی نعمت‌اللهی یزدی از احفاد شاه نعمت‌الله ولی (متوفی ۸۳۴ ه. ق) و ماده تاریخ اهدای پنج قطعه قالی از سوی وی بر مزار شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان از دیگر نمونه‌های اشعار دیوان وقاری است که به خصوص به لحاظ مطالعات تاریخ اجتماعی حائز اهمیت است. وقاری علاوه بر ماده تاریخ‌ها، اشعاری را در مدح رجال روزگار خویش سروده که برخی از آنها در باب رجالی چون میرزا مهدی وزیر اعظم، شیخ الاسلام میرزا علیرضا، اغورلوخان ایشیک آقاسی باشی، ملا محمد شفیع یزدی موسوم به دانشمند خان، ملا محمد صادق یزدی و صفی‌الدین محمد قاضی یزدی، که اطلاعات اندکی از آنان داریم، درخور توجه می‌باشند.

منشآت مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی (گلدسته اندیشه) که اخیراً توسط انتشارات اندیشمندان یزد منتشر شده است، شرح قصیده تأویلیه اخوند مولانا عباس،

رساله در بیان قواعد ترکیه، «رساله بیان اعداد حروف قافیه و اسامی و اعداد حرکات» و شرح رساله عروض اندلسی از دیگر آثار وقاری است. دیوان وقاری از برخی جهات مکمل مطالب گلدسته اندیشه می‌باشد. برای مثال می‌توان به نامه‌ای اشاره کرد که وقاری آن را خطاب به میرزا محمد هاشم داماد میرزا حسن و اهب وزیر یزد نوشته و به قول خود، آن را به گونه‌ای تنظیم نموده که توأمان هم نثر است و هم نظم و طریقه نظم آن را به دیوان خویش محول کرده است و از قضا مطلب مزبور در دیوان وی مندرج است، که خود به لحاظ ادبی درخور توجه و تأمل می‌باشد.

دیوان وقاری همان طوری که خود در اشعار فوق الذکر در این نوشتار تصریح نموده، انواع شعر فارسی اعم از مثنوی، قطعه، غزل، قصیده، ماده تاریخ و معما را دربر می‌گیرد. دیوان وی بالغ بر حدود شش هزار بیت را در بر دارد. شعر او را استادان فن از جمله جناب آقای دکتر جمشید مظاهری، که از متخصصان ادبیات عهد صفوی و فرهنگ اصفهان می‌باشند، پسندیده و آن را از نمونه‌های خوب شعری قملداد کرده‌اند که امروز در اصطلاح به آن سبک اصفهانی یا هندی می‌گویند.

خوشبختانه نسخه خطی ممتازی از این اثر در کتابخانه ملک به شماره ۵۲۲۳ موجود است. امتیاز درخور توجه نسخه مزبور آن است که توسط محمد جعفر فرزند وقاری به تاریخ ۱۰۸۴ ه. ق در اصفهان استنساخ شده و سپس وقاری در ذیل ترقیمه آن به خط خود تصریح نموده که به خواهش فرزند دیگرش محمد ربیع، نسخه مزبور را مطالعه، مقابله و تصحیح نموده و واژگان و نکات ادبی و معنیات آن را در حاشیه نسخه توضیح و شرح کرده و اشعاری را نیز علاوه بر آن چه محمد جعفر استنساخ نموده، شامل قطعه، ماده تاریخ و غزل به انتهای دیوان ملحق ساخته است. از این رو نسخه‌ای ممتاز و بی نظیر است. از دیوان وقاری نسخه دیگری معرفی شده که متعلق به مرحوم عبدالحسین بیات بوده است. لیکن اکنون از وضعیت آن خبری در دست نیست. لیکن با توجه به توصیفات که از نسخه ملک گردید و صخه نهادن وقاری بر آن، اثر مزبور را تنها با استفاده از همین تک نسخه می‌توان منتشر نمود.